



گذشت و سرگذشت غبار

شادروان میرغلام محمد غبار که از جمله مورخان ، روزنامه نگاران و مبارزان پرتلاش افغانستان بشمار می آید ، بعد از هشتاد سال زندگی پرثمر ، به جاودانگی پیوست و ندای حق را لبیک گفت .

شادروان غبار در سال ۱۲۷۴ شمسی مطابق ۱۸۹۶ م و بروایت دیگر در سال ۱۲۷۶ ش. مطابق به سال ۱۸۹۸ م در شهر کابل دیده بجهان گشود . پدرش سید محمود از سادات محترم کابل بشمار می رفت . درین سال امیر عبدالرحمن خان زمام رهبری افغانستان را به عهده داشت که بقول شادروان " غبار " ، " سپهدار قابل بود . " (۱)

از تحصیلات ابتدایی این مرد هوشمند اطلاعی دقیق نداریم ، اما اینقدر میدانیم که وی در سال ۱۲۹۸ ش دست بقلم برده پا به جهان روزنامه نگاری آن روزگار نهاد ، چون نویسنده ای چیره دست بود ، بزودی جای خود را در میان نویسندگان افغانی باز کرد و به عنوان " سرمحرر جریده هفتگی ستاره افغان " عملاً " در مبارزات استقلال خواهی روزنامه - نویسان نقش ارزنده ای را بعهده گرفت . (۲)

(۱) افغانستان در مسیر تاریخ ، ص ۶۴۴

(۲) مجله هرات ، دوره ۲ سال ۳ مورخ قوس (آذر) ۱۳۲۹ ش ص ۱۶ .

ستاره افغان بار نخست در ۹ قوس (آذر) ۱۲۹۹ ش بروز ۴شنبه در ناحیه جبل السراج کوهستان به مدیریت و سر محرری میرغلام محمدالحسینی نشر شد . غبار تخلص بعدی شادروان موصوف قرار گرفت . ستاره افغان نخست به چاپ سنگی در مطبعه جبل السراج و بعداً " که این مطبعه به چاریکار منتقل شد ، در این جا در سه ستون سه اینچی ، زیر شعار " جریده دینی ، اخلاقی ، و علمی " تا مدت یکسال نشر یافت ، که در حدود یک هزار شماره تیراژ داشت ، توقیف آن بر اثر روحیه انتقادی که نسبت به کارمندان و وضع کارشان داشت ، انجام یافت . سیر ژورنالیزم در افغانستان ، تالیف آهنگ ، جلد اول - ص

جریده هفتگی ستاره افغان از اواسط سال ۱۲۹۹ش تا سرطان (تیر) ۱۳۰۰ش در ناحیه جبل السراج درخشیدن گرفت که ۳۰ شماره از آن نشر شد .

شادروان غبار چندی بعد به عنوان کارمند وزارت امنیت منصوب گشت و تا سال ۱۳۰۰ش به این وظیفه اشتغال داشت تا اینکه از وزارت امنیت به تشکیلات دیگری که بنام " شرکت امنیت " یاد می شد منتقل گشته به عنوان معاون گماشته شد .

در سال ۱۳۰۳ش به عنوان نماینده تجارته افغان به مسکو رفت و در سال ۱۳۰۶ش به سفارت افغانی مقیم پاریس منتقل شد و در زمانیکه سپهسالار محمدنادرخان عهده دار سفارت افغانی در پاریس را به اختیار داشت او هم در مقام دبیر اول و بروایت دیگر به عنوان "کاتب محاسبه" ایفای وظیفه کرد ، و در سال ۱۳۰۷ش مدیر گمرک در قطن و بدخشان مقرر گردید . اما بعداً به عنوان وکیل انتخابی شهر کابل در لویه جرگه (مجلس کبیر) برگزیده شد . بقول شادروان غبار در این جرگه کبیر و آخرین که شاه امان اله خان در سال ۱۳۰۷ش در منطقه صیفیه پغمان احضار کرده بود یک هزار نفر اعضای انتخابی ملت و انتصابی شاه شمولیت داشت که در پنج ستون (صف) در صحن تیاتر پغمان می نشستند . در ستونهای جناحین وکلای ملت و در ستونهای وسطی نمایندگان انتخابی شورای دولت و مجالس مشوره و ولایات جا می گرفتند . تخت شاه روی شیخ (ستیز) قرار داشت که در یمین انتصابی شورای دولت و کندکمشران (سرگردان) نظامی و در بسارش قضا محاکم و روسا و مدیران وزارتخانهها جا داشتند . در جبهه پیشروی تخت شاه چوکی (صندلی) رئیس و دونفر معاون و یک نفر منشی مجلس گذاشته شده بود و هر ناطقی مقید بود که از صف صحنه به روی شیخ (ستیز) برآید و از جناح راست از پشت میکروفون (بلندگو) سخن رانی کند . مصوبات با اکثریت آراء (توسط مهره های سپید و سیاه در صندوق آراء) به عمل می آمد . (۱)

در نتیجه همین گردهم آئیها بود که شاه امان الله خان نسبت به روشنفکران افغانی صمیمیت و همدردی پیدا کرد و آزادی تشکیلات سیاسی را بصورتی که چندان دردسری برایش نداشته باشد ، اجازه داد و بقول شادروان غبار " این فضای آزاد سیاسی سبب شد که حلقه های سیاسی مخفی به شکل علنی درآید که از آن جمله " حلقه جوانان افغان بود که شادروان موصوف هم جزو اعضای همین حلقه سیاسی بود .

البته این تشکیل سیاسی بعداً " در زمان زمامداری امیر حبیب الله خان خادم دیسن رسول الله معروف به " بچه سقا " و بدنبال آن در روزگار محمدنادر شاه خان غیرقانونی اعلام

شد ، اعضای آن یا بقتل رسیدند و یا در زندان سیاسی افتادند و سالهای طولانی در آن زندان باقی ماندند تا پیر و مضحل شدند و از کار افتادند .

شادروان غبار در سال ۱۳۰۹ ش باز به سفارت افغان در برلین رفت و در آنجا بعنوان "سرکاتب" یعنی دبیراول مشغول گشت و در سال ۱۳۱۰ ش به کابل برگشته در انجمن ادبی کابل که از روی اساسنامه انجمن ادبی هرات مطرح و تأسیس گردیده بود ، به عنوان نویسنده مورخ و پژوهشگر برجسته دست به قلم یازید .

بعدا " از سال ۱۳۱۲ ش تا سال ۱۳۱۴ ش به زندان سیاسی افتاد و برای مدتی در قندهار و فراه نفی‌البلد اعلام شد و به آن دیار تبعید گردید .

(۱) انجمن ادبی کابل در سال ۱۳۱۰ ش در کابل بنیاد گردید و نخستین مجله بتاریخ ۱۵ جوزا (خرداد) ۱۳۱۰ ش از طرف همین انجمن بنام مجله " کابل " بزبان فارسی نشر شد که در جمله نخستین نویسندگان آن شادروان میرغلام غبار قرار داشت .

انجمن یاد شده که در سال ۱۳۱۶ ش انجمن پشتو (آکادمی پشتو) یاد می‌شود منحل گردید و جای آنرا همین انجمن اخیرالذکر اشغال کرد و مجله کابل هم از این تاریخ به بعد در خدمت زبان پشتوبکار گرفته شد و تمام مقالات آن به این زبان منتشر گردید . " مجله آریانا دوره ۲۶ ش ۴ اسد و سنبله (امرداد و شهریور) ۱۳۴۷ ش ص ۹ "

(۲) انجمن ادبی هرات بر اثر اقدام عده‌ای از نویسندگان ، شاعران و دانشمندان هرات بروز دوشنبه ۲۳ قوس (آذر) ۱۳۰۹ ش گشایش یافت و به تاریخ ۱۵ حوت (اسفند) ۱۳۱۰ ش اولین شماره مجله ماهانه ادبی ، اجتماعی و تاریخی "هرات" از سوی انجمن مذکور نشر شد . انجمن ادبی هرات برای مدت ۱۲ سال فعالیت داشت تا اینکه مدتی متوقف گردید . و در سرطان (تیر) ۱۳۲۷ ش تشکیلات دیگری بنام "کلوب ادبی هرات" با مساعدت مقام ولایت هرات و همکاری ریاست مستقل مطبوعات وقت منظور شد و مجله هرات هم که مدتی از نشر بازمانده بود از برج اسد (امرداد) سال ۱۳۲۷ ش به دوره دوم نشراتی چند آغاز کرد . اعضای کلوب یاد شده علاوه بر نشر مجله هرات به چاپ آثار جاویدان تاریخی ، ادبی نیز توفیق یافتند . مخارج این تشکیل بیشتر بتوسط گروهی از سرمایه‌داران نیکوکار و خیراندیش هرات تامین می‌گردید . در اوایل کلاسهای متعدد زبان فارسی ، عربی ، و انگلیسی در حدود همین انجمن تشکیل میگردد که استادان هر وی افتخاری آنها را تدریس می‌کردند . امروز از این انجمن در هرات خبری نیست ، ولی مجله هرات در چوکات اداری آمریت اطلاعات و کلتور هرات کماکان به فعالیت نشراتی خود در پهلوی روزنامه " اتفاق اسلام " ادامه می‌دهد . " مجله هرات دوره ۲ سال ۳ ش ۷ دلو (بهمن) ۱۳۲۹ ش ص ۱۱ - ۱۲ "

اما بعداً "مورد توجه محافل حاکمه قرار گرفت و در سال ۱۳۲۲ش به عضویت انجمن تاریخ (۱) در کابل درآمد. در این دستگاه بود که بعنوان نویسنده پرمایه به تالیف آثار ارزنده که در میان نویسندگان و مورخان افغانی ارج و منزلتی ویژه دارد توفیق یافت که از آنجمله است:

احمد شاه بابا در ۳۵۲ ص چاپ سال ۱۳۲۲ش. کابل

خراسان در ۴۶ ص چاپ سال ۱۳۲۶ش. کابل

همراه با تالیفات مستقل بامورخان و نویسندگان دیگر افغانی در تالیف آثاری چون تاریخ افغانستان، جلد سوم که یکبار در چند صفحه محدود در سال ۱۳۲۶ش به نشر رسید، و بار دوم در ۵۰۰ ص در سال ۱۳۳۶ش چاپ شد، مشارکت داشت، و مقالات متعدد در مجله‌های کابل، آریانا، و سالنامه‌های کابل و بویژه در دایرةالمعارف آریانا از او بجای رسیده که همه برای خودش پژوهش جامع و کامل می باشد که مورد پذیرش و مرجع پژوهشگران راستین و معروف افغانی است.

شادروان میرغلام محمد غبار در مقام عضویت انجمن تاریخ باقی ماند تا اینکه فضای سیاسی افغانستان تغییر یافت و آزادی انتخابات همراه با آزادی مطبوعات که طلایه یک دوران آزادی عمل و آزادی اندیشه را نوید می داد، منظور نظر مقامهای زعامت کشور قرار گرفت. در این دوره بعد که شادروان غبار در سال ۱۳۲۸ش به عضویت شورای ملی از سوی شهریان کابل انتخاب گردید و به پارلمان دوره هفتم که از جنجال برانگیزترین شورای افغانستان تا آن تاریخ بشمار می رود، راه یافت. از این تاریخ به بعد نویسنده چیره دست و مبارز ما عملاً "به فعالیت‌های سیاسی کشانده شد و با گروهی از جوانان دانشمند و رزمنده به تشکیل جمعیت سیاسی بنام جمعیت وطن که بعداً "نزد نویسندگان افغانی بعنوان" حزب وطن" مشهور گردید توفیق یافت و امتیاز نشر جریده وطن را نیز حاصل کرد. استاد عبدالحی

(۱) انجمن تاریخ کابل در سال ۱۳۲۱ش در تشکیل ریاست مستقل مطبوعات منظور شد و مدیریت آن به عهده مورخ معروف و معاصر افغانستان احمد علی کهزاد گذارده شد. نخستین نشریه این انجمن همان مجله "آریانا" می باشد که به تاریخ اول دلو (بهمن) ۱۳۲۱ش اولین شماره آن به چاپ رسید. این مجله هنوز هم بهمان روال گذشته از طرف انجمن یاد شده نشر می شود. انجمن تاریخ کابل که اکنون بنام انجمن تاریخ افغانستان یاد می شود نشریه دیگری بنام افغانستان بزبانهای انگلیسی و فرانسه سه ماه یکبار نیز نشر می کند نخستین شماره این مجله در سال ۱۹۶۴ چاپ شده است. مجله آریانا دوره ۲۶

حبیبی مورخ معاصر افغانی دربارهٔ این دوره از فعالیت شادروان غبار و جمعیت‌اش چنین اظهار نظر می‌کند :

"این شخصیت علمی لیدر و پیشوا و موسس حزب وطن و جریده آزاد وطن است که هزارها پیرو سیاسی در افغانستان" (۱) داشت .

جریده یاد شده با نشر مطلبی دربارهٔ رفتار وروش استاندار قندهار در برابر قاضی آن شهر، توقیف گردید و رفته‌رفته دامن‌مبارزات سیاسی و آزادی مطبوعات برجیده شد .

همراهان معروف شادروان غبار در این دوره از زندگی‌اش اینان بودند :

۱- میرمحمد صدیق‌خان فرهنگ که شخص عالم و نویسنده راستین افغانی بوده بدوزبان انگلیسی و فرانسه تسلط کامل داشته بعنوان مدیر جریدهٔ وطن و جزو مؤسسان جمعیت وطن به فعالیت سیاسی خود دست زده بود . (۲)

۲- عبدالحی خان عزیز از تحصیل یافتگان افغانی در فرانسه بود که سالها ریاست دانشکده حقوق دانشگاه کابل را بعهده داشت و در آن‌زمان مقام معاونیت و نیابت وزارت اقتصاد کشور را گذرانده و از مقام مشاوریت حقوق صدارت عظمی برفع جمعیت وطن دست کشیده و به‌این جمعیت پیوسته بود .

۳- سهرات علی تاج هزاره فارغ‌التحصیل افغانی از کشور ترکیه بود که مدتی ریاست تفتیش (بازرسی) وزارت اقتصاد را بعهده داشت . بعداً به تأسیس شرکت هزاره جات پرداخت و چون از دانشمندان و مبارزان قوم هزاره بود، خدمات سیاسی خود را در اختیار جمعیت وطن گذاشت .

۴- غلام سرورخان جويا این روزنامه‌نویس برجسته افغانی مدتی مدیر جریده انیس بود که تا امروز به عنوان یکی از دوروزنامه معروف و بزرگ افغانستان در کابل نشر می‌شود نیز

(۱) به نوشته‌های عبدالحی حبیبی در شماره ۹ : فیلم ۵۵۰۲ بخش نسخ خطی کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران ص ۱۵ شماره " ۲۰ " مراجعه شود .

(۲) آقای فرهنگ متولد سال ۱۹۲۴م در مدرسه عالی استقلال تحصیل کرده بعداً " مامور بانک ملی و سپس در سال ۱۹۵۶م مشاور وزارت معارف و صنایع گردید در سال ۱۹۶۲م رئیس معاون وزارت مذکور و در سال ۱۹۶۳م معاون وزارت پلان (برنامه‌ریزی) و در سال ۱۹۶۴م عضو کمیتهٔ تسوید قانون اساسی و عضو شورای لویه جرگه (مجلس کبیر) برگزیده شد . بعداً " از ناحیه چهارم شهر کابل وکیل ولسی جرگه (شورای ملی) انتخاب شد . در سالهای ۷۳- ۱۹۷۲م سفیر افغانی در بلغراد بود . زبان مادری‌اش فارسی دری است .

رجال تاریخی ... افغانستان . ص ۲۶ .

به جمعیت وطن پیوست . (۱)

۵- دکتر عبدالقیوم خان رسول که از اقارب نزدیک دودمان سلطنتی افغانستان و فارغ التحصیل رشته پزشکی از پاریس بود ، حاضر شد با شادروان غبار در جمعیت وطن همکاری نزدیک کند .

۶- علی محمدخان خروش ، مدیر سابق جریده وطن و از اعضای فعال جمعیت وطن بود .

۷- فتح محمدخان جنرال هزاره شخص وطن پرست و از مشاهیر اقوام غیور هزاره و عضو فعال حزب وطن بود که هنوز هم زنده است .

۸- سلطان محمدخان فرزندوالی علی احمدخان که خواهرزاده شاه امان الله خان و از خاندان سلطنتی بعد ، از اعضای رزمنده جمعیت وطن بشمار می آمد .

۹- دکتر غلام فاروق اعتمادی از دانش آموختگان افغانی در فرانسه و عضو فعال جمعیت وطن بود . این مرد دانشمند اکنون از استادان ممتاز گروه تاریخ دانشکده ادبیات دانشگاه کابل است که پژوهشهای ارزنده تاریخی و بررسیهای دقیق علمی وی مورد توجه حلقه های فرهنگی و پژوهشی افغانستان می باشد .

(۱) سرور جويا در سال ۱۲۷۷ش در شهر کابل بدنيا آمد و پس از پايان تحصيل در سالهای ۱۲۹۶-۱۲۹۷ش با پدر خود حاجی میرزا غلام حسین خان سررشته دار بعنوان کاتب کار می کرد . در سال ۱۲۹۸ش با سردار عبدالقدوس خان صدراعظم در سپین بولدک قندهار همراه با پدر خود با انگلیس ها نبرد کرد بعد از ختم جنگ و حصول استقلال تا سال ۱۳۰۱ش در قندهار وظیفه کتابت دارالانشاء صدراعظم موصوف را بعهده داشت ، سپس به کابل آمد و در زمره منشیان حضور شاه امان الله خان مقرر شد و تا سال ۱۳۰۳ش بهمان وظیفه باقی ماند . تا اینکه در سالهای ۱۳۰۴-۱۳۰۶ش در ایران و روسیه مشغول تحصيل امور چاپخانه گردید و زبان روسی را نیز فرا گرفت . بعد از بازگشت در تنظیم مطبعه دانش هرات پرداخت و تا سال ۱۳۰۷ش بعنوان مدیر این مطبعه خدمت کرد سپس بعنوان مدیر و نگارنده جریده اتفاق اسلام در هرات منصوب گشت و از سال ۱۳۰۷ش تا سال ۱۳۰۹ش در هرات بکار جریده نگاری پرداخت . در سال ۱۳۱۰ش به انجمن ادبی کابل بازگشت . در شهریور ۱۳۱۲ش به زندان سیاسی افتاد و در سال ۱۳۲۵ش از زندان آزاد شده بعنوان مدیر کل در دیپسوی تعاونی منصوب گردید در سال ۱۳۲۷ش به شورای شهرداری کابل برگزیده شد . در سال ۱۳۲۸ش با آزادی سیاسی که در کشور منظور نظر گردید با عده از میهن پرستان به تاسیس حزب وطن پرداخت و در جریده وطن که ارگان نشراتی حزب یاد شده بود همکاری قلمی نزدیک داشت در شور (اردیبهشت) ۱۳۳۱ش بار دیگر به زندان سیاسی رفت و بتاريخ ۱۵ جدی (دی) سال ۱۳۴۰ش به عمر ۶۳ سالگی درگذشت .

کتاب سال انیس . چاپ سال ۱۳۴۶ش ، کابل - ۴۳ - ۴۴

۱۰- دکتر ابوبکر خان که در رشته علوم از دانشگاه پاریس فارغ التحصیل شده بود و مدتی به عنوان رئیس دانشکده علوم دانشگاه کابل خدمت کرده بود، عضویت جمعیت وطن را پذیرا شد.

۱۱- عبدالحلیم خان عاطفی، مدیر سابق جریده اتحاد بنگلان که از طرف ریاست مستقل مطبوعات در ناحیه بنگلان نشر می شده وی نیز به عضویت جمعیت وطن درآمد.

۱۲- علی احمد نعیمی، مورخ و نویسنده دانشمند نیز در جمعیت وطن نقش برآورده‌ای بعهده داشت. تحصیلات خود را تا کلاس یازدهم ادامه داد، اما از سال ۱۳۱۲ش از ادامه تحصیل بازماند. ولی شخصا "به مطالعات خود مشغول شد، تا اینکه در حلقه گروهی از دانشمندان، مورخان، و ادیبان افغانی و در ارتباط با "انجمن ادبی کابل" دست به قلم برد. اما بعد از مدتی که این انجمن منحل گردید به همکاری در انجمن تاریخ توجه داد. البته با توقیف جریده وطن و الغای فعالیت‌های سیاسی، اعضای مؤثر جمعیت وطن مدتی در توقیف و زندان سیاسی ماندند که بعداً "دوباره به فعالیت‌های علمی و فرهنگی جامعه ادبی افغانی جلب شدند و امروز در جامعه فرهنگی افغانی و حتی حلقه‌های سیاسی آن کشور از ارج و منزلت والای برخوردار هستند و مورد توجه مقامهای میهن پرست افغانی که شخص رئیس جمهور کنونی افغانستان در صدر آن قرار دارند، می باشند.

شادروان غبار از سال ۱۳۳۵ش تا هنگامی که جان به جان آفرین تسلیم کرد در منزلش به عزلت میگذراند. در خلال این ایام بود که اثر بزرگ و جاویدانش را زیر عنوان "افغانستان در مسیر تاریخ" در ۸۴۰ صفحه تالیف کرد. این اثر تاریخ جامع و کامل پژوهش دقیق تاریخ افغانسنان می باشد که در سال ۱۳۴۶ش مطابق ۱۹۶۷م از طرف دولت وقت افغانستان در مطبعه دولتی کابل چاپ گردید.

این کتاب در دوازده فصل تنظیم شد که همه نوشتنی‌ها، دیدنی‌ها، گفتنی‌ها و شنیدنی‌های اوضاع طبیعی، اقتصادی، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و سیاسی این کشور تا سال ۱۹۲۹م، احتوا می کند.

کوتاه اینک شادروان میر غلام محمد غبار، بعد از یک دوران دراز زندگی پراز تلاش و قلم زنی و نویسندگی، طبق خبر رادیو افغانستان بتاريخ روز شنبه ۲۲ بهمن ماه ۱۳۵۶ش به دعوت پروردگارش لهبیک گفته به عالم جاویدان شتافت، روانش شاد باد.

* از جمله فرزندان شادروان غبار چارتن را می شناسیم، پوهاند (استاد) دکتر اسعد احسان غبار (استاد دانشکده پزشکی دانشگاه کابل) خانم دنیاغبار، حشمت خلیل غبار، و دکتر ابراهیم ادهم غبار که همگی به نویسندگی نیز علاقه دارند.